

تاریخچه سیرو سفر در ایران

○ منصور ملک عباسی

اندیشه جز از طریق سیر و سفر خواه به منظور تجارت، خواه باهدف سیاحت و یا سفرهای جنگی میسر نیست.

در دوران ایران باستان اندیشه‌های ایرانی از این طرق در گوشه و کنار جهان پراکنده شد. و این پراکندگی اندیشه خود نشانی از سیروسفر دارد. معمولاً پس از جنگ‌های طولانی ایرانیان با همسایگان قدرتمند خود هنگام عقد معاهده‌های صلح، آمد و شد سوداگران و تجار در قراردادهای ملحوظ می‌شده است. در ماده ۳ عهدنامه فیما بین خسرو اول پادشاه ایران و قیصر رومی فرمانروای روم در سال ۶۵۱ میلادی آمده است:

«سوداگران و تجار خواه ایرانی یا رومی اجناس خود را از هر قبیل که باشد از راه‌های معمول، حمل و نقل خواهند کرد و حق عبور خواهند داشت» علاوه بر این در نمونه اسناد و مدارک به جامانده در هنر و ادبیات روحیه میهمان‌نوازی و مسافرنوازی ایرانیان مورد تحسین قرار گرفته است. در اوستا، کتاب دینی ایرانیان باستان موجبات آسایش فراهم نکردن برای مسافران جزء گناهان کبیره به شمار آمده است.

ایرانیان قدیم معتقد بودند که در سیزدهمین روز از نوروز سال ایرانی، هر خانواده باید از خانه بیرون برود و در دامن صحرا و طبیعت جوان به گشت و گذار بپردازد. از دیگر آداب ملی ایرانیان به هنگام سفر یکی آن است که هنگام ترک خانه، بزرگتر یا یکی از اهالی خانه، پشت سر مسافر ظرف آبی می‌ریزد تا بدین وسیله خواهان سلامتی او در بازگشت به خانه شده باشد و این موارد، شمه‌ای از موارد بسیاری است که مولف کتاب در باب اهمیت سیر و سفر در ایران باستان آورده است.

در بخش دوم کتاب - سیر و سفر در اسلام - که بسیار مفصل است، سیر و سفر پس از ورود اسلام به ایران مورد

کتاب تاریخچه سیر و سفر در ایران به بررسی تاریخی سیروسفر در ایران قبل از اسلام و پس از آن، تحقیق در آیات و روایات اسلامی در این مورد، توجه به سابقه سیر و سیاحت در ادبیات زبان فارسی، نیز جمع آوری اسناد ایران‌گردی از سفرنامه‌های ایران‌شناسان و مستشرقین و مستندات دیگر در عهدنامه‌های دولتی پرداخته است. کاری که به این صورت در مجموعه مکتوبات کشور ما سابقه نداشته است. امروزه چنین تلقی می‌شود که با توجه به توسعه وسایل حمل و نقل و پیشرفت تکنولوژی ارتباطات، سیاحت معنی و مفهوم دیگری پیدا کرده است و با این گونه ترقیات، جهان کوچکتر و قابل دسترس‌تر از گذشته شده و جهانگردی توسعه یافته است بلی همینطور است. ولی آنچه به نظر می‌رسد کمرنگ شده، آثار و نتایج سیر و سیاحت است.

جهانگردی در گذشته با کسب یک دنیا تجربه و عبرت‌آموزی همراه بوده و موجب ارتقاء سطح فرهنگ و شناخت انسانها می‌شده است.

امام‌روزه این بعد سیر و سفر کمتر مورد عنایت است و این حرکت تنها از بعد دیدن و توریستی آن مورد توجه واقع می‌شود و به لایه‌های زیرین شناخت کمتر توجه می‌گردد. امید است مطالعه این مقاله به درک بهتر سیر و سیاحت و اهداف معنی‌دار آن در گذشته منجر گردد و به سیر و سفر امروز تنها از بعد اقتصادی و مادی آن نگرسته نشود. کتاب تاریخچه سیر و سفر در ایران از هفت بخش تشکیل یافته که نخستین بخش آن به سیروسفر در ایران باستان می‌پردازد. از لابه لای اوراق به جا مانده و گفته‌های اقوام دیگر اینطور استنباط می‌شود که ایرانیان مردمانی بوده‌اند شاد زیست، آزاده، متمدن، و اهل دانش اندوزی و تبادل فرهنگی. می‌دانیم که گذار و تحول فرهنگی و جابجایی



○ تاریخچه سیروسفر در ایران
○ نگارش: حسن مرسلوند
○ ناشر: مرکز تحقیقات و مطالعات ایرانگردی و جهانگردی،
چاپ اول، ۱۳۷۶

توجه قرار گرفته است. در این بخش که حاکی از اهمیت سیر و سفر در اسلام است، محقق گرانقدر، آیات قرآنی در این باب را به چهار گروه تقسیم نموده، که این دسته بندی از این نظر جالب توجه است و می توان گفت که کمتر کسی قبلاً به این شکل به آیات قرآنی توجه کرده است: در دسته نخست، آیات مربوط به سیر و سفر به منظور پند گرفتن از چگونگی زاد و زیست پیشینیان قرار گرفته اند. در این مورد ۱۶ نمونه از آیات قرآنی آمده و سعی شده ترجمه تحت‌اللفظی صورت گیرد. به عنوان نمونه در سوره سوم (آل عمران) آیه ۱۳۷

می‌خوانیم: قد خلت من قبلکم سنن فسیروا فی الارض فانظروا کیف کان عاقبه المکذبین [همانا بگذشته است پیش از شما ملت‌هایی. پس بگردید در زمین و بنگرید چگونه بوده است فرجام ناپوران] در دسته دوم، آیاتی جمع‌آوری شده که هجرت را نوعی سفر برای مبارزان دینی در نظر گرفته و معمولاً با جهاد و مبارزه دینی همراه است.

در این گروه، ۱۶ نمونه از آیات الهی در باب سفر و هجرت به منظور اعتراض به حاکمان ستمگر و ملحد و به خاطر مبارزه با آنان آورده شده که خدای بزرگ مومنان را در شرایط و مواقع خاصی به این گونه سفر یا هجرت‌ها دعوت می‌نماید. به عنوان نمونه آیه ۲۰ از سوره مبارکه توبه آمده است: الذین امتوا و هاجروا فی سبیل الله باموالهم و انفسهم اعظم درجه عندالله و اولئک هم الفائزون» [آنانکه ایمان آوردند و هجرت کردند و بکوشیدند در راه خدا به مال‌ها و جان‌های خود، بزرگتر است پایه آنان نزد خدا و آنان رستگارانند] دسته سوم آیات قرآن مربوط به درراه‌ماندگان و اهمیت توجه و کمک به آنان است که خداوند سبحان از این طریق اهمیت سفر را غیرمستقیم گوشزد نموده است. مجموعه آیه‌ای که از این بعد به اهمیت مسافرت اشاره دارند و در این کتاب جمع‌آوری شده ۸ مورد است. یک نمونه از آنها آیه ۲۶ سوره ۱۷ است: «وأت ذالقربی حقہ والمسکین و ابن السبیل ولا تبذر تذبذرا» [و بده به خویشاوندان حقشان را و بینوا و در راه مانده و تبذیر مکن تبذیری بیهوده و فزون از اندازه] منظور از در راه مانده همان مسافرینی هستند که در سفر داریی خود را تمام کرده‌اند.

و بالاخره به دسته چهارم از آیات الهی در این کتاب برمی‌خوریم که روحیه میهمان نوازی و اطعام به نیازمندان را مورد توجه قرار داده است. در سوره ۷۶ از قرآن کریم، آیه ۹ می‌خوانیم «انما نطعمکم لوجه الله لاترید منکم جزاءً و لا شکورا» [جز این نیست که می‌خورانیم شمارا برای رضایت خدا، نخواهیم از شما پاداشی و نه سپاسگزاری].

در ادامه این بحث، به سفر حج در اسلام اشاره شده است که از فرائض مسلمانان به شمار می‌رود و در کتاب آسمانی قرآن بارها بدان توصیه شده است. آنگاه مؤلف به سابقه تاریخی پذیرش آیین تشیع در زمان صفویه می‌پردازد که به عنوان مذهب رسمی کشور اعلام می‌گردد. در این مذهب، به زیارت اماکن مقدسه از جمله مقبره پیامبر عظیم‌الشان، وسایر امامان بسیار توجه شده

است و در باب سفر به این اماکن مقدسه و در آداب سفر و دعا‌های مخصوص به آن اخبار و احادیث فراوانی جمع‌آوری گردیده که شیعیان را به این گونه مسافرت‌ها ترغیب می‌نمایند. در جایی از امام صادق علیه السلام نقل است که: «هرکس بخواند آیه الکرسی را در سفر در هر شب، سالم بماند و آنچه با اوست. آنگاه بگوید: «اللهم اجعل مسیری عبراً و صمتی تفکراً و کلامی ذکراً» [یار خدایا رفتار مرا عبرت و خاموشی را اندیشه و گفتارم را ذکر و یاد خود قرار ده]

محقق محترم در ادامه، از کتاب حلیه المتقین، اثر علامه محمد باقر مجلسی، ادعیه و آداب سفر را طی چند صفحه آورده است که نشان دهنده اهمیت است که مکتب اسلام و ائمه هدی نسبت به امر سفر داشته و مومنان را بر آن ترغیب نموده‌اند.

بخش سوم: سیر و سفر در فرهنگ و ادب پارسی: یکی از زیباترین بخش‌های کتاب، نگاه محقق به ادب پارسی از منظر سیر و سفر است. نه یک نگاه کمی بلکه نگاهی عمیق و کیفی که نشأت گرفته از فرهنگ اسلامی-ایرانی است. در آغاز سخن در این بخش با این شعر از سعدی روبرو می‌شویم که

فرمود:

بسیار سفر باید تا پخته شود خامی

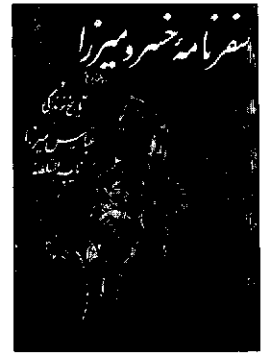
صوفی نشود صافی تا سیر نکشد جامی
اصولاً واژه «جهان‌بده» در ادبیات فارسی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و در این فرهنگ، جهان‌بده به شخصی اطلاق می‌شود که بسیار دانا، پخته، حکیم و خردمند باشد. علاوه بر این سیر و سفر در اندیشه‌های اعتقادی ایرانیان برای خود مبحثی جداگانه دارد، مثلاً در عرفان ایرانی به این شکل جلوه‌گر شده است که عرفا سیر در آفاق و انفس را برای سالک از واجبات دانسته‌اند یعنی سیر در درون و سیر در برون - هر سالکی می‌بایست هم در درون افکار و احساسات خود طی سفر کند و هم در آفاق و سرزمین‌ها.

بدون شک شاهنامه فردوسی، مثنوی مولوی، کلیات سعدی، و دیوان خواجه حافظ شیرازی چهار رکن اساسی فرهنگ و ادب پارسی به شمار می‌روند. این چهار رکن را در ضمن می‌توان نماینده چهار طرز تفکر ایرانی تلقی کرد که مؤلف با بررسی آثار آنان به چهار دیدگاه گوناگون در زمینه سیر و سفر دست یافته است:

۱- شاهنامه فردوسی

شاهنامه که بدون تردید از عوامل مهم پایداری زبان پارسی است، برجسته‌ترین گروه‌های حماسی ایرانیان را در بردارد. همانطوریکه خود شاهنامه اثری است حماسی، سفرهای مطرح شده در آن نیز از دسته سفرهای رزمی به حساب می‌آیند. در این اثر یکی از شرایط اصلی پهلوان شدن سفر کردن به تنهایی و دست و پنجه نرم کردن با خطرات گوناگون است. در شاهنامه زورمند بودن، تنها شرط پهلوانی نیست، بلکه پهلوان علاوه بر نیرومندی، بایستی خردمند، هوشمند، میهن پرست و یزدان پرست نیز باشد. همین پهلوان اسطوره‌ای اگر بخواهد به این پایگاه





امروزه
چنین تلقی می شود
که با توجه به
توسعه وسایل
حمل و نقل و
پیشرفت تکنولوژی
ارتباطات، سیاحت
معنی و مفهوم
دیگری پیدا کرده
است و با این گونه
ترقیات،
جهان کوچکتر
وقابل دسترس تر از
گذشته شده و
جهانگردی توسعه
یافته است .
بلی، همین طور
است، ولی آنچه
به نظر می رسد،
کم رنگ شده،
آثار و نتایج
سیروسیاحت است

بلند دست باید حتماً می‌بایست دل به سفرهای بلند و پرخطر بسپارد. رستم پهلوان پهلوانان این اثربایستی درابتدای راه پهلوانی، بنا به سفارش پدر از زابلستان، زادگاه خود، با عبور از هفت خطر یا هفت خوان به مازندران برسد و دشمنان ایران را درهم بکوبد. رستم در این سفر یک به یک هفت خوان را پشت سرمی گذارد و باهمه سختی‌ها مبارزه نموده تا پس از گذشتن این مراحل به سرزمینی می‌رسد که همیشه روز است و هیچگاه شب نمی‌شود.

وز آن جا سوی روشنایی رسید

زمین پرنیان دید یکسر زخوید

جهانی زبیری شده نوجوان

همه سبزه و آبهای روان

یکی از سفرهای ناخوشایند شاهنامه، سفر کی کاوس، شاه ایران است به آسمان، که نوعی تجاوزه قلمرو خداوند تلقی می شود بدین منظور چهار عقاب گرسنه به چهار پایه تخت بسته شده بودند تا به طمع طعمه که در بالای سرآویزان شده بود به پرواز در آیند و تخت کی کاووس را هم باخود ببرند.

نشست از بر تخت کاوس کی

نهاده به پیش اندرون جام می

چو شد گرسنه تیز پران عقاب

سوی گوشت کردند هریک شتاب

زروی زمین تخت برداشتند .

زهامون به ایر اندر افراشتند .

از دیگر سفرهای شاهنامه، سفر کیخسرو و رستم به سراسر ایران برای بازدید شهرها است . کیخسرو در این سفر شهرهای ویران را با بخشیدن زر مال آباد می‌کند و سپس برای نیایش پروردگار به آتشکده آذر آبادگان می‌رود و...

همه بوم ایران سراسر بگشت

به آباد و ویرانی اندرگذشت

هر آن بوم و برکان نه آباد بود

تبه بود و ویران زبیداد بود

درم داد و آباد کردش زگنج

زداد و زبخشش نیامدش رنج

از سفرهای غم‌انگیز شاهنامه داستان کناره‌گیری کیخسرو از سلطنت و سپردن تخت پادشاهی به سهراب است و باز آنچه از شاهنامه برمی‌آید، از خانه بیرون رفتن و پناهنده شدن در دامان طبیعت، به هنگام پیروزی و جشن و سرور است که از اخلاقیات ایرانیان باستان بوده است.

۲- کلیات سعدی

شیخ مصلح الدین سعدی شیرازی، پیر جهان‌دیده و عارف جهانگرد، بدون تردید استاد مسلم ادب و زبان پارسی است او که در قرن هفتم هجری قمری می‌زیست در شیراز به کسب علم پرداخت و سپس به بغداد شتافت و در مدرسه نظامیه به تحصیل مشغول شد، وی طبعی نآرام داشت و به سیر در آفاق و انفس متمایل بود. از این رو به سفری طولانی پرداخت و در بغداد و شام و حجاز تا شمال آفریقا سیاحت و با طبقات گوناگون مردم آمیزش کرد. پس از این سفر با کوله‌باری از تجربه و دانش به شیراز بازگشت و در زمان امنیت و آرامش اتابک ابوبکر بن سعدین زنگی در

حکومت فارس فراغتی یافت تا به تالیف و تصنیف شاهکارهای خود دست یازد.

وی در سال ۶۵۵ قمری سعدی نامه یا بوستان را به نظم در آورد و در سال بعد ۶۵۶ قمری گلستان را تالیف کرد. بررسی آثار سعدی در این نوشتار از آن رو توجه برانگیز است که در این تحقیق با مروری روبرو هستیم که خود جهانگردی چیره دست و مملو از تجربه‌های سفر است ، دست مایه نگارش گلستان و بوستان که شاهکارهای او و نیز از شاهکارهای فرهنگ و ادب پارسی به شمر می‌رود، «سفر» است.

در ادامه محقق مؤلف کتاب گلستان و بوستان را ورق زده و چندین حکایت دلنشین از آن را که در سفر برای سعدی اتفاق افتاده مرور می‌نماید. مجموعه این حکایت‌ها حدود ۳۰ صفحه کتاب را بخود اختصاص داده است. اینک یکی از آن حکایت‌ها:

شبی در بیابان مکه از بی خوابی پای رفتنم نماند، سر بنهادم و شتربان را گفتم دست از من بدار

پای مسکین پیاده چند رود

کز تحمل ستوده شد بختی

تا شود جسم فریبهی لاغر

لاغری مرده باشد از سختی

گفت: ای برادر حرم در پیش است و حرامی در پس، اگر

رفتی بردی و اگر خفتی مردی

خوش است زیرمغیلان راه بادیه خفت

شب رحیل ولی تر ک جان بیاید گفت

همانگونه که اشاره شد در آثار سعدی «سفر» جایگاه

ویژه‌ای دارد چون خود شاعر، جهانگردی کرده و کوله‌باری از تجربه سفرهای طولانی فرا چنگ دارد. محقق و مؤلف

کتاب در بررسی بوستان سعدی هم حکایت‌های شیرینی را که در سفر اتفاق افتاده و به نظم در آمده جمع آوری نموده

است. به عنوان نمونه او سفر را یکی از عوامل التیام بخش درد عشق می‌داند و می‌گوید

گفت سعدی صبرکن یاسیم و زر ده یا گریز

عشق را یامال باید یا صبوری یا سفر

۳- سیر و سفر در اشعار حافظ

این قسمت از کتاب گرچه حجم کمی را به خود

اختصاص داده لیکن به مفهوم عارفانه‌ای از سفر که

ویژگی روحی حافظ شیراز است اشارت دارد.

غزلیات حافظ

خواجہ شمس الدین محمد حافظ، رند پاکباز، عارف

وارسته و استاد غزل سرای ایرانی است که در اوایل قرن

هشتم در شیراز زاده شد و در سال ۷۹۲ قمری در همان جا

در گذشت.

او برخلاف هم ولایتی خود اهل سفر نبود لیکن سفر

در غزلیات او معنای خاصی دارد. او نه مثل فردوسی

سفرهایش رزمی است و نه هم چون سعدی با نگاه

حرفه‌ای به سفر می‌نگرد. او سفر را نوعی هجران، راه

علاجی برای درمان عشق یا دوری از معشوق می‌بیند.

سفر در غزلیات او گره می‌خورد با عشق، گاهی از یاد

شرطه به التماس می‌خواهد تا بوزد و او را به دیدار یار

آشنا برساند



مولانا را مضطرب و مشوش کرد و بالاخره شمس دوباره به قونیه بازگشت و با مولانا بود تا در سال ۶۴۵ که به ناگاه شمس تبریزی ناپدید گردید. پس از فقدان شمس، مولانا مسند تدریس و فتوی را به کلی ترک گفته و به مراقبت باطن و تهذیب نفس پرداخت در آثار او می‌توان دریایی از عرفان و اخلاق و حکمت را ملاحظه نمود. اگر سفر در غزلیات حافظ بعد عاشقانه دارد، به گفته مولف، سفر در مثنوی مولانا، رنگی عارفانه و روحانی به خود گرفته است و در پایان این بخش مولف با ارایه نمونه‌هایی از داستان‌های مثنوی، بعد عارفانه سفر را بازگو نموده است بیان حکایت دوستی روستازاده با شهری‌زاده‌ای در مثنوی و نتیجه‌گیری عارفانه مولانا از این حکایت چندین صفحه کتاب را به خود اختصاص داده است.

در جای دیگر مولانا به سختی به عرفای دروغین می‌تازد و به آنانی که به ریا از خود بی خود شده‌اند و هیچ کس را نمی‌شناسند و حتی خود را فراموش کرده‌اند می‌گوید:

خویش را واله و عارف می‌کنی
خاک در چشم مروت می‌زنی
که مرا از خویش هم آگاه نیست
در دلم گنجای جز الله نیست
آنچه دی خوردم از آتم یاد نیست
این دل از غیر تحیر شاد نیست
داستان طوطی و بازگان آخرین حکایتی است که مولف در کتاب حاضر بدان اشاره نموده و برداشت‌های عارفانه‌ای را که در پی دارد بازگو نموده است. اشاره‌ای هم به ابیات پراکنده زبان پارسی دارد که در آن ابیات به مسافرت توصیه شده است مانند این ابیات:

قدر مردم سفر پدید کند
خانه خویش مرد را بند است
تابه سنگ اندرون بود گوهر
کس نداند که قیمتش چند است
(صابر)

ز بعد آنکه سفر کرد چو فرود آید
به لطف و روح فزاید طعم، همچو شکر
(عنصری)

اندر سفر بلند همتی گیرد آفتاب
اندر سفر کمال پذیرد همی قمر
(امیری معزی)

سفر در مثل پارسی:

درگفتار و نوشتار هر سرزمینی، هر آنچه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار باشد، در میان توده‌ها برای آن مثلی می‌سازند که نشان‌دهنده شیوع آن امر در میان مردم است.

گذار و تحول فرهنگی و جابجایی اندیشه، جز از طریق سیروسفر، خواه به منظور تجارت، خواه با هدف سیاحت و یا سفرهای جنگی، میسر نیست، در دوران ایران باستان، اندیشه‌های ایرانی از این طرق در گوشه و کنار جهان پراکنده شد

کشتی نشستگانیم ای باد شرطه برخیز
باشد که بازبینیم دیدار آشنا را
و گاهی با ناله برای دلدار پیام می‌فرستد که از جور اوست که تن به سفر داده و سر به کوه و صحرا نهاده است.
صبا به لطف بگو آن غزال رعنا را
که سر به کوه و بیابان، تو داده‌ای مارا
در جایی دیگر دارد.

ای صبا گر بگذری بر ساحل رود ارس
بوسه زن بر خاک آن وادی و مشکین کن نفس
و باز گفتگوهای عاشقانه بیتی چند:
دیدم به خواب دوش که ماهی برآمدی
کز عکس روی او شب هجران سرآمدی
تعبیر رفت یار سفر کرده می‌رسد
ای کاش هر چه زودتر از در آمدی

۴- **سیر و سفر در مثنوی مولوی**

و بالاخره مولف در رکن چهارم ادب پارسی به جلال‌الدین محمد فرزند سلطان العلماء (مولوی) می‌رسد که در ربیع الاول ۶۰۴ هجری قمری در بلخ زاده شد و در ۶۷۲ سال قمری در قونیه (ترکیه) در گذشت.
او از بزرگترین عرفای ایرانی محسوب می‌شود که در کودکی به همراه پدر از بلخ خارج شد و پس از مدتی سیر و سیاحت سرانجام رحل اقامت به قونیه افکند.
مولانا در سال ۶۴۲ با شمس تبریزی ملاقات کرد و این ملاقات انقلاب روحی در او پدید آورد که موجب ترک مسند تدریس و فتوی گشت. این امر سبب ناراضی مردم قونیه شد و شمس تبریزی تحت فشار مریدان مولانا مجبور به ترک قونیه شد و به دمشق رفت. هجران وی



«مرسلوند»

اعزام محصل

به خارج را

در عصر قاجار،

سبب پیشبرد

امر جهانگردی

در ایران می داند

گویا در دوره پهلوی

که امر جهانگردی

با سهولت بیشتری

انجام می گرفت،

خاصیت

سفرنامه نویسی هم

از بین رفت

در فرهنگ و ادب پارسی، «سفر» ضرب المثل های بسیاری دارد که مولف محترم به برخی از آنها اشاره نموده است. من باب نمونه «دنیا دیدن بهتر از دنیا خوردن است»، «سفرمربی مرد است و اوستادهنر»، «اول رفیق آنگه طریق»، «بلای سفر به که در خانه جنگ»، «سفر عیب باشد بر آن کدخدای که بانوی زشتش بود در سرای»، «سود سفر، سلامتی است»، «بسیار سفر باید تا پخته شود خامی»، «رفیقان را در سفر بشناس.»

بخش چهارم کتاب با عنوان جهانگردان بیگانه به معرفی ایرانگردانی که از خارج به ایران سفر نموده اند اختصاص دارد؟

این بخش از هردوت مورخ نامی یونان آغاز شده و تا سفر پروفیسور پوپ به ایران در دهه های اخیر ادامه می یابد. در بررسی تاریخی ایرانگردی سیاحان و مستشرقین خارجی به دو نکته در این کتاب اشاره رفته که خالی از لطف نیست. این دو نکته بیشتر به شکل دو مشکل خود نمایی می کند و عمدتاً شامل ایران گردان غربی است. نخست اینکه اختلاف فرهنگی از قبیل تفاوت زبانی، مذهبی، اخلاق، لباس و رفتارهای اجتماعی سبب نابسامانی هایی در روند ایرانگردی شده است. دوم آنکه اختلافات سیاسی بین ایران و بعضی دول بیگانه بر روند رشد صنعت توریسم تاثیر داشته است. به هر حال هنوز هم علی رغم این موانع، جاذبه های ایران برای جهانگردان چشمگیر است.

علاوه بر هردوت که از بابل، مصر و فلسطین دیدار کرده و مسافرت های بسیاری انجام داده، شرح جنگ های ایران و یونان نیز مطلب دیگر بخش چهارم است. گزنفون مورخ و فیلسوف آتنی نیز در مورد ایران و ایرانیان در دوران باستان مطالب فراوانی را به رشته تحریر در آورده است. وی در سال ۴۰۱ قبل از میلاد به ایران آمد و به خدمت کورش صغیر، پسر داریوش دوم درآمد پس از انقراض پادشاهی ساسانی شاید سیاحان عرب اولین دسته از جهانگردانی بودند که نظرشان به ایران گردی معطوف شد. از اعراب مشهوری که سفرنامه نوشته اند می توان ابودلف سعدبن المهلهل الخزرچی و ابن فضلان که شرح کوتاهی از ایران نوشته اند و نیز بارزترین ایرانگرد عرب ابن بطوطه را نام برد.

وی که یک جغرافیدان مسلمان بود از شمال آفریقا سفر خود را آغاز نموده و پس از حدود سی سال به مراکش بازگشت.

او به ایران نیز سفر کرده است در مورد مردم اصفهان و روحیات گشاده دستی و مهمان نوازی آنان صحبت کرده است. از جهانگردان معروف دیگری که به ایران سفر کرده مارکوپولو سیاح مشهور ایتالیایی است. وی در سال ۱۲۵۴ میلادی متولد شد. در هفده سالگی با پدر خود بنام پولو به چین عزیمت کرد و به خدمت قوییلای قان، امپراطور مغول در آمد او درباره بسیاری از کشورهای که دیدن کرده سفرنامه هایی نوشته است، سفرنامه وی در مورد ایران نیز در دست است.

گفتنی است برخی از آندورفت های غربیان به ایران

جنبه سیاسی داشت. کاترینوزنو نخستین کسی بود که از سوی جمهوری ونیز به ایران آمد تا ایران را بر علیه دولت عثمانی تحریک نمایند. بعد از او ایرانگردانی با همان مقاصد سیاسی به ایران آمدند و از آن جمله باریارو و کنتارینی بودند که در سفرنامه های خود علاوه بر مسایل سیاسی و تاریخی به بسیاری از روحیات ایرانی ها اشاره کرده اند. دوره پادشاهی صفویه را می توان دوره مهمی برای ورود اتباع بیگانه به ایران دانست.

در عصر صفوی سفیران دول بیگانه، جهانگردان، مسیونرهای مختلف مذهبی، بازرگانان و... به ایران وارد شدند. در سال ۱۰۰۷ هجری هیتی به ریاست حسن علی بیگ بیات از راه روسیه و آلمان به ایتالیا رفت و پس از ملاقات با پاپ و تسلیم کردن نامه شاه عباس صفوی به او اعلام کرد که شاه ایران از همه اروپائیان دعوت کرده که به کشور ایران برای تجارت یا هر کار دیگری آمد و شت کنند. او در این فرمان تسهیلات بسیاری برای مسیحیانی که قصد داشتند به ایران بیایند قایل شده بود. در حقیقت فرمان او را می توان سر آغاز نوینی در تاریخ ایران گردی بیگانگان تلقی کرد.

از معروفترین ایرانگردانی که در دوره صفویه به ایران آمدند و از سفر خود گزارش تهیه کرده اند، می توان از بازرگانان گمنام ایتالیایی، شاردن، کمپفر، پیترو دلواله، سانسون، برادران شرلی، و تاوونیه نام برد. اغلب ایران گردان ماموران سیاسی، مبلغان مذهبی، ویا بازرگانان بودند. حمایت و تشویق از فرهنگستانی که به ایران سفر می کرده اند در دوران افشاریه و زندیه نیز ادامه داشت فرمان کریم خان زند در دست است که آزادی مذهب و تجارت را برای بیگانگانی که به ایران می آمدند تضمین کرده است. عصر قاجار به ویژه دوران سلطنت فتحعلی شاه قاجار رانیز می توان از جهت تشدید فعالیت های سیاسی اروپائیان در ایران و آندوشدهای سیاسی مورد مطالعه قرارداد.

پیروزی نظامی ناپلئون بناپارت در اروپا سبب شد که تهران مرکز رقابت سیاسی فرانسه-انگلستان شود، و رفته رفته پای ماموران سیاسی سایر دول بیگانه نیز به ایران بازگردد. از دوره قاجار سفرنامه های بسیاری از بیگانگان ایرانگرد در دست است که ذکر نام آنها بطور کامل مقدور نیست. ولی از سیاحان مهم آن دوره می توان از گاسپارد روهیل، اوژن فلاندن، ارنست اورسل، هنری مورو، مسیوپه لر، هوم شیندلر، سرجان ملکم، ژنرال گاردان، سرآرتور هاردینگ، کنت دو گوپینو و فدت آفاناس یویچ کاتف و... یاد کرد. از نکات مهمی که در این بخش به آن پرداخته شده، ورود کاوشگران آثار باستانی به ایران است که ویرانه ها را کاویدند و تاریخ ملت ها را از دل خاک بیرون کشیدند و به دنبال دانشمندان اروپایی، دلالان و سودجویان غربی نیز راهی شرق به ویژه ایران شدند و با خرید و یا سرقت دینه های ارزشمند آنها را به اروپا بردند و به موزه یا اشخاصی که خواهان آن بودند به بهای گزاف فروختند.

این در حالی بود که اغلب کشورهای باستانی هیچ قدرو قیمتی برای آثار باستانی خود نمی شناختند. برخی از کاوشهای مهم دوره قاجار که در این کتاب از آنها یاد شده



عبارتنداز:

کاوشهای راولپنسون - بیستون، ۱۸۳۶ تا ۱۸۴۱ میلادی.
کاوشهای وس. لوفتوس، شوش، ۱۸۵۴-۱۸۵۱
میلادی.

کاوشهای اندرناس وستولز، تخت جمشید،
۱۸۷۸ میلادی.

کاوشهای دمرگان شوش ۱۸۹۷-۱۸۹۶ میلادی.

کاوشهای هرتسفلد، پاسارگاد، ۱۹۰۵ میلادی.

کاوشهای دمرگان، اطراف تهران ۱۹۰۹ میلادی.

در میان آمد و شد های ایران گردان که برخی با نیت سود جویی و برخی با نیت مثبت بود، علاقمندانی را می یابیم که سعی داشته عمر خود را صرف خدمت و معرفی این کشور به جهانیان نمایند. از آن جمله پروفیسور ادوارد براون و پروفیسور باب دو مستشرق بزرگ را می توان نام برد. پروفیسور باب از ایران دوستانی بود که خدمات ستایش انگیزی به این مرز و بوم روا داشت. او وصیت کرد پس از مرگ، پیکرش را در اصفهان به خاک بسپارند و چنین نیز شد. مزار او و همسرش اینک در ساحل زاینده رود، شرق پل خواجه قرار دارد. به هرحال ایران به عنوان یک کشور کهنسال و تاریخی با تمدنی چندین هزارساله و نیز اماکن مقدس و صنایع دستی بی نظیر و اخلاق نیکوی ایرانی، نزد دانش دوستان و جهانگردان جستجوگر جایگاه ویژه ای داشته و دارد.

در بخش پنجم کتاب که «جهانگردان ایرانی» نام گرفته نویسنده به جهانگردان ایرانی توجه کرده و به این نکته اشاره می کند که گرچه سیرو سفر از دیر باز مورد

علاقه ایرانیان بود، لیکن متأسفانه گویا اشتیاق چندانی از جانب این سفرکردگان برای سفرنامه نویسی و جود نداشته است. شاید هم آثار بجامانده در رفت و آمد و هجوم اقوام دیگر از بین رفته باشد. با اینحال در این کتاب از سفرنامه های مشهوری چون، سفرنامه ناصر خسرو قبادیانی صحبت به میان آمده است و شرح حال مختصری از این شاعر نامی و سفرهای او ارائه گردیده است.

توجه مسلمانان ایرانی به مکه معظمه و عزیمت آنان به حج به عنوان یک فریضه و نیز سفر به عتبات عالیات در کشور عراق یا سوریه و زیارت مقابر شریفه این اماکن توانسته است شعله سیر و سیاحت را در دل ایرانی ها همراه روشن و پایدار نگه دارد. از ایرانیانی که به مکه و مدینه و عتبات در دوره های گوناگون سفر کرده اند، سفرنامه های بسیاری در دست است که نام بردن از تمامی آنها مقدور نیست. لیکن به چند سفرنامه مشهور در این کتاب اشاره رفته است که عبارت اند از سفرنامه عتبات تالیف محمد ولی میرزا که در اواسط قرن سیزدهم به عتبات سفر کرده بود. سفرنامه عتبات ناصرالدین شاه، سفرنامه مکه، یادداشت های مسافرت حاج میرزا علی خان پدر اعتمادالسلطنه به مکه در عهد قاجار ... و

از دوره صفویه سفرنامه ای در دست است از جهانگردی ایرانی به نام محمدربیع بن محمدابراهیم که در آن شرح سفارت محمدحسین بیگ، سفیر شاه سلیمان صفوی را به کشور سیام نگاشته و به نام سفینه سلیمانی مشهور است. از معروفترین سفرنامه های عهد قاجار، سفرنامه سفیر ایران در عهد فتحعلی شاه قاجار در ماموریت سیاسی خارج از کشور است او میرزا ابوالحسن خان ایلچی شیرازی است و حیرت نامه نام سفرنامه اوست. دیگر سیاح ایرانی میرزا صالح شیرازی است که برای تحصیل به اروپا رفت (سال ۱۲۳۰ قمری) و سفرنامه ای از خود به یادگار گذاشت. در این دو سفرنامه هر آنچه در دنیای شگفت انگیز آن عصر در اروپا دیده و شنیده اند، به نگارش در آورده اند. از سفرنامه های مشهور دیگر، سفرنامه خسرو میرزا پسر هفتم عباس میرزا به پتر زبورگ در روسیه است. سفرنامه آجودان باشی به اتریش و فرانسه و انگلستان به امر فتحعلی شاه برای اثبات بی گناهی ایران در مورد لشکرکشی به افغانستان از دیگر سفرنامه های ایرانیان است. اشاره کتاب به سفر حاج محمد علی پیرزاده به فرنگ در دوره قاجار و دید انتقادی او که در سفرنامه اش مشهود است خواندنی است. سفرنامه ابراهیم صحافیاشی در دوره قاجار که به اروپا و آمریکا می رود و به مسکو نیز سفر می کند باز در این



«مرسلوند»

معتقد است که

دوره قاجار را

می توان عصر

جهانگردی ایرانیان

و سفرنامه نویسی

در ایران دانست،

ضمن این که

تعدادی از این

سفرنامه ها

چاپ و برخی هنوز

به صورت خطی

باقی مانده اند



کتاب به خوبی معرفی شده است.
حاج میرزا محمد علی ملقب به حاج
سیاح یکی از مشهورترین جهانگردان
ایرانی است که در سفر طولانی خود با
اتکا به نیروی ایمان و بااندک آذوقه‌ای به
اروپا رفته و به ملاقات پاپ نهم الکساندر
دوم تزار روسیه و گاریبالدی و سید
جمال‌الدین اسدآبادی نایل می‌شود. این
مرد در سفرهای

بعد به هندوستان، چین و حتی
آمریکا نیز مسافرت کرده است.
سفرنامه‌های ناصرالدین شاه و
مظفرالدین شاه قاجار هم که از سفرهای
داخلی و خارجی خود مطالبی نگاشته‌اند
هنوز در دست است و حاوی نکات
خواندنی بسیار.

مؤلف معتقد است که دوره قاجار را
می‌توان عصر جهانگردی ایرانیان و
سفرنامه نویسی در ایران دانست، تعدادی
از این سفرنامه‌ها چاپ و برخی هنوز به
صورت خطی باقی مانده‌اند.

مؤلف اعزاز محصل به خارج از
کشور را در عصر قاجار سبب پیشبرد
امرجهانگردی در ایران می‌داند.

گویا در دوره پهلوی که امر
جهانگردی با سهولت بیشتری انجام

و دولت‌های بیگانه قرارداد ایران و هلند به سال ۱۰۳۱
قمری برابر با ۱۶۲۲ میلادی است.

ماده اول این معاهده چنین است: دولت هلند به اتباع
ایران مقیم هلند یا متصرفات آن اعم از مأمورین رسمی یا
تجارتی حق نامحدود اقامت و مسافرت و تجارت می‌دهد.
در این بخش مؤلف با دقت و حوصله خاصی تمامی
قراردادهای مهم بین ایران با دول اروپایی - روسیه و...
در قالب قرارداد، عهدنامه دوستی و مودت و غیره
را جمع‌آوری نموده و بخشهای مهمی از بندهای آن را نقل
کرده است.

در آخرین بخش، مؤلف سیر و سفر در اسناد دولتی را از
گذشته تا امروز مرور کرده است. در این بخش سه سند
آورده شده است که عبارت انداز:

۱- اساسنامه شورای عالی جهانگردی مصوب ۱۳۳۶
و تصویر سند.

۲- اساسنامه کانون جهانگردی ایران.

۳- نظامنامه کانون جهانگردی ایران.

قانون عکس‌برداری از آثار باستانی نیز توسط
جهانگردان بیگانه در ایران همراه با اسناد آن آورده شده و
در این مورد، پنج سند تقاضای صدور و دستور صدور مجوز
عکسبرداری و... آمده است. تا پایان کتاب دهها سند
در ارتباط با ایجاد تسهیلات جهت ایرانگردان بیگانه که از
سوی استانداری‌ها ویا سازمان جلب سیاحان و وزارت
داخله یا خارجه در مورد عبور و مرور جهانگردان به ایران
صادر شده است جمع‌آوری و آرایه شده است.

می‌گرفت خاصیت سفرنامه نویسی هم از بین رفت. البته
خاطرات بسیاری از رجال و دولتمردان در این دوره در دست
است که حاوی مطالبی درباره سیر و سفر می‌باشد. از
جهانگردان معروف دوره پهلوی می‌توان از برادران امیدوار
(عیسی و عبدالله) نام برد. که عنوان اولین جهانگردان
ایرانی را برای خود برگزیده‌اند. آغاز سفر آنها سال ۱۳۳۳
شمسی بود که ده سال به طول انجامید. و آنان طی سفر به
پنج قاره با روسای جمهور و شخصیت‌های مذهبی و افراد
سرشناس بین‌المللی دیدار کردند.

در بخش ششم به سیر و سفر در قراردادهای و
عهدنامه‌های دولتی پرداخته شده و به دو قسمت تقسیم
گردیده است. نخست عهدنامه‌هایی زیارتی که بین دولت
ایران و دولت عثمانی منعقد گردیده و منظور از آن رفاه
حال زائرین ایرانی است، قسمت دوم معاهداتی است که
در آن رفت و آمد اتباع به منظوری غیر از زیارت پیش بینی
شده است.

عهدنامه بین نادرشاه افشار و سلطان محمود خان
اول منعقد در سال ۱۱۵۹ هجری قمری در زمره دسته
اول عهدنامه‌هاست. در ماده اول این عهدنامه آمده است
[حجاج ایرانی و تورانی که از راه بغداد و شام عازم بیت الله
الحرام باشند ولایه و حکام سر راه ایشان را محل به محل
سالمین و آمتین به یکدیگر رسانیده، صیانت حال و
مراعات احوال ایشان را لازم دانند.]

و نمونه‌ای از عهدنامه‌های نوع دوم منعقد بین ایران

«کنت دو گوینو»
ضمن تعریف و
تمجید از کاشان
به عنوان
یکی از بزرگترین
شهرهای صنعتی
ایران، از مردم
آن شهر به نیکی
سخن گفته است